

## مهر پرستی

نگارش و گردآوری : یاغش کاظمی

« ... نخستین ایزد مینوی که پیش از دمیدن خورشید جاودانه تیز اسب ، بر فراز کوه البرز برآید. از آن جاست که آن مهر بسیار توانا بر همه خانمان های ایرانی بنگرد. درود بر مهر فراخ چراگاه ، آن هزار گوش و ده هزار چشم. تویی شایسته نیایش. تویی برازنده نیایش در خانمان مردمان. »

اوستا - مهر یشت - کرده ۴ و ۲۳

پیش از ظهور زرتشت ، آریایی ها خدایان مشترکی داشتند. اهورا و میترا و ورونا و ایندیرا از خدایان مشترک آریایی ها بود. شخصیت ورونا Varuna در ادبیات ریگ ودایی ( کتابی مشتمل بر هزار و بیست و هشت سرود دینی هندوان آریایی ) همان اهورای ایرانیان بوده است و ایزد دیگر ایرانی مهر دقیقاً با میترا در هند برابر است.

میترا در هند ، دوست معنی می دهد و مهر ایرانی به معنی پیمان است. می توان گمان برد که مهر در فرهنگ آغازین هندوایرانیان به مفهوم پیمان و دوستی میان افراد قبیله و مظهر چنین امری در ارتباط فرد با قبیله و در پیوستگی های آیینی قبیله بوده است و از اینرو مظهر مقدس اتحاد ، یگانگی و دوستی قبیله به شمار می آمده است.

در مرحله تکامل یافته فرهنگ آغازین این قبایل که برای همه مظاهر طبیعی و اجتماعی روحی قائل می شدند خدایان سماوی پدید آمدند. در این مرحله ، مهر نیز که پدیده ای مقدس بود به ناچار می بایست مظهری سماوی می یافت تا هم پایه دیگر مظاهر مقدس می گشت . از اینجاست که از طرفی او را در اوستا به صورت روشنی پیش از طلوع خورشید یعنی به صورت میانجی تاریکی و روشنایی می یابیم و از طرف دیگر در ادبیات میانه ایران ، حرکت خورشید ( مهر ) مشخص کننده گذشت زمان نه هزار ساله پیمانی است که میان هر مزد و اهریمن بسته شده بود و اهریمن می کوشد تا با نگاه داشتن خورشید ، گذشت زمان را کندتر کند.

ایزد مهر نزد ایرانیان باستان ، مظهر راستی ، درستی ، پیمان داری ، فروغ ، مهر و دوستی و نگاهبان خانه و کشور و جنگجویان آریایی بود . **میثره** به فارسی باستان و اوستایی ، **میترا** به سنسکریت و **مسیهر** به ارمنی همگی همین واژه اند.

در اوستا ، مهریشت ( دهمین یشت اوستا ) که یکی از بلندترین و شیواترین یشت هاست ، سرود ستایش و نیایش و حماسه رزم آوری های مهر است. مهر یشت با این جملات شروع می شود : اهوره مزدا می گوید بدان هنگام که من مهر فراخ چراگاه را هستی بخشیدم ، او را در شایستگی ستایش و برازندگی نیایش ، برابر با خود - که اهوره مزدایم - بیافریدم.

( آر . سی . زرنر ) یکی از زرتشت شناسان بنام و استاد دانشگاه آکسفورد در مورد مهریشت چنین می گوید : مهریشت را می توان به عنوان قطعه ای از تاریخ دینی در حال شکل گیری تلقی کرد. این یشت نشان می دهد که چگونه یکبار آیین اهورا و میترا ( چند خدایی ) به واسطه الهامات نبوی در زرتشت کنار گذاشته شد و پیامبر تحت حکومت ویشتاسپ شاه ، جنگی آشکار را علیه دیوان و دیو پرستان به راه انداخت آن گونه که برخی از آنان ( دیو پرستان ) در یک عمل تدافعی در صدد سازش و مصالحه با اهورا پرستان برآمدند و با حذف برخی از اسامی مربوط به خدایان دیوی خود نظیر ایندیرا و ... ادامه عملکرد و وظایف آنها را از طریق چهره کامل تری از مهر تضمین نمودند : مهری که آنها با دادن عملکردی جنگ طلبانه غنایش بخشیدند.

مهریشت از نظر زبان شناسان کهن تر از گاتا ( سروده های مینوی اشو زرتشت ) است. دکتر **رکن الدین همایونفرخ** ، آیین نیایش مهر و پرستش مظاهر آن را یادگار دوران تباهی و سیاهی می داند : یادگار زمانی که آریایی ها در اثر تحول ناگهانی مدار زمین ، با زمستان های طولانی و شب های سال مانند سرزمین های مجاور قطب و ظهور ناگهانی آخرین دوران یخبندان روبرو شدند و در نتیجه به ارزش و اهمیت نور در زندگی پی بردند. در آیین مهر ، مهر **بغ** یا خدای آسمان ها و ستارگان است اما در مذهب زرتشت تا حد

یک فرشته پایین آمده است. زرتشتیان ، شانزدهمین روز ماه و هفتمین ماه سال را به نام ایزد مهر خوانده اند و در مهر روز از مهر ماه جشنی باستانی هم اکنون نیز در میان زرتشتیان مرسوم است که آن را جشن مهرگان می نامند.

**ابوریحان بیرونی** در مورد این جشن چنین گفته است : گویند در این روز فریدون بر بیوراسب که ضحاک خوانندش دست یافت. چون در چنین روزی فرشتگان از آسمان به یاری فریدون فرود آمدند به یاد آن در جشن مهرگان در سرای پادشاهان ، مردی دلیر را می گماشتند که بامدادان به آواز بلند بانگ برمی داشت : ای فرشتگان به سوی جهان بشتابید و جهان را از گزند اهریمن برهانید ! و پادشاهان در این جشن تاجی به شکل خورشید بر سر می گذاشتند.

مهر در زمان اردشیر دوم هخامنشی ، ایزد قرارداد و فتح و حامی خاندان سلطنت بود. پس از حمله اسکندر ، مهر پرستی به یونان رفت چنان که در یونان مهر را هلیوس Helios نامیدند و سپس از یونان به امپراتوری روم رسوخ و نفوذ کرد و چون دین رسمی این امپراتوری شد در سراسر اروپا تا انگلستان قدیم اشاعه یافت و قرن ها مذهب رسمی گروهی از کشورهای اروپا بود.

**هلیوس** را در اساطیر یونان به صورت جوانی زیبا روی که گرداگرد سرش را اشعه های زرین پوشانده و با ارا به نورانی خود سراسر آسمان را می گشته است تصویر کرده اند. او حرکت خود را در پهنه آسمان هر روز صبح و در حالی که ارا به سپیده کاذب ( فلق ) پیشاپیش وی در حرکت بود می آغازید. یونانیان او را چشم دنیا و برادر صبح کاذب ( فلق ) و ماه می پنداشتند .

جایگاه مهر پرستان را مهربان می نامیدند. مهربان ها بیشتر در کوه ها و غارها و زیر زمین ها بود. مهربان را خورآباد ، میتران و مهران هم می گفتند. در آلمان و انگلستان مهربان های بسیار کشف شده است. در ارمنستان نیز مهرپرستی رواج بسیار داشت و برخی از کلیساهای کهن این دیار ، نظیر کلیسای اچمیادزین بر روی خرابه های یک مهربان بنا شده اند.

آیین مهر پیش از آنکه در سراسر روم گسترش یابد در پهنه آسیای کوچک ( ترکیه امروزی ) برقرار گشته بود. نیز چنان که پیداست مذهب رسمی ایرانیان دوره اشکانی آیین مهر بوده است. سه پادشاه اشکانی : اشک ۶ و ۹ و ۱۲ نام مهر و مهرداد و میترا داشتند. آیین مهر در سده های نخستین میلادی در امپراتوری روم اشاعه کامل یافت . نرون ، وسپازین ، تراژان و پومپه از امپراتوران روم قدیم بر دین مهر بودند. در سده سوم میلادی به یاری **کاراکالا** امپراتور روم ، دین مهر گسترش بسیار یافت . کاراکالا دستور داد در کنار گرمابه های روم برای پرستش مهر ، مهربان بسازند. **دیوکتین** امپراتور بعدی روم شورایی فراهم آورد و دین مهر را رسمی کرد و بالاخره **ژولین** امپراتور روم در ۳۶۱ پس از میلاد خود را فرزند مهر خواند.

اعتقاد مهر پرستان رومی بر این بود که مهر در روز ۲۵ دسامبر از دل سنگی زاده شد : همچون زایش آتش و روشنایی از دل سنگ در اساطیر کهن آریایی. در حجاری های مهربان ها او را در این حالت و کاملا برهنه که تنها کلاه نمذ فریجی بر سر دارد و دستش را بلند کرده و خنجر و مشعلی به دست دارد نمایش داده اند. مهر مامور بود که به زمین زندگی ببخشد پس برای بارور کردن زمین ، گاوی که به همراه خود از آسمان آورده بود را با خنجری که داشت قربانی کرد و از خون گاو زمین بارور شد و گیاهان رویدند.

هم اکنون پیکره بزرگ ایزد مهر را در موزه کلیسای سن پیتر واتیکان و در ده ها کلیسا و موزه و مرکز علمی و هنری در غرب می توان دید. آیین مهر ، آیینی پر رمز و راز بود و اسرار این آیین ، طی هفت مرحله بر کسی که بدان می گروید ، عرضه می شد. برای طی کردن هر مرحله شستشو و تعمید لازم بود.

**چلیپا** که بعدها سمبل و نماد صلیب ( صلیب ) گردید ، در دین مهر نشانه برابری و برادری و اتفاق مردم چهارسوی جهان بوده و در سده های اول و دوم میلادی شاخه های برابر داشته است.

( زنر ) میترائیسم امپراتوری روم را تحولی از یک صورت کافر کیشی ایرانی می داند به گفته او تمامی

فرق زرتشتی این آیین را که بطوری جانبدارانه ویژه و خاص دیوان شده بود محکوم کرده اند.

**کتاب نامه :** ۱- بهار ، مهرداد. جستاری چند در فرهنگ ایران. انتشارات فکر روز ، چاپ دوم ۱۳۷۴ . ۲- پیرنیا ، حسن . تاریخ باستانی ایران . دنیای کتاب ، چاپ اول ۱۳۶۲ . ۳- دوستخواه ، جلیل . اوستا (کهن ترین سرودهای ایرانیان) . انتشارات مروارید ، چاپ چهارم ۱۳۷۷ . ۴- زنر ، آرسی . طلوع و غروب زردشتی گری . ترجمه دکتر تیمور قادری. انتشارات فکر روز ، چاپ اول ۱۳۷۵ . ۵- فرشاد ، مهدی . تاریخ علم در ایران (جلد اول) . انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۶۵ . ۶- گرمیال ، پیر . فرهنگ اساطیر یونان و روم. ترجمه دکتر احمد بهمنش . انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۶۷ . ۷- مهدی نیا ، جعفر . هفت بار اشغال ایران در بیست و سه قرن . انتشارات پانوس ، چاپ اول ۱۳۷۷ .